فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۰- صفحات ۴۷-۳۱

تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران

نوع مقاله: پژوهشی

سید نظام‌الدین مکیان[۱]
مصطفی الراجی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

چکیده

تسهیلات قرض‌الحسنه یکی از مهم‌ترین اعتبارات بانکداری اسلامی به شمار می‌رود که می‌تواند بر اشتغال تأثیر بگذارد. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران می‌پردازد. در این پژوهش، تأثیرتسهیلات قرض‌الحسنه که خارج از طبقه‌بندی عقود مبادله‌ای و مشارکتی در نظام بانکداری اسلامی می‌باشد بر اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، از مدل داده‌های تابلویی شامل استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ استفاده گردیده است. نتایج برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی نشان می‌دهد که و یافته‌های تحقیق بیان می کند که تسهیلات قرض‌الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌ها دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر مربوط به تولید ناخالص داخلی و سرمایه فیزیکی است و اشتغال بیشتر از آنکه تابع تسهیلات قرض‌الحسنه و بهره‌وری نیروی کار باشد، تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان قرار دارد.

کلمات کلیدی: تسهیلات قرض‌الحسنه، بانکداری اسلامی، اشتغال، استان‌های ایران
طبقه‌بندی JEL: C33، E24، R11

---

[۱] دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)
nmakiyan@yazd.ac.ir
[۲] کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد دانشگاه یزد alrajimostafa@gmail.com

مقدمه

مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض‌الحسنه را به‌عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده از متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارد، در نظر گرفته است. در این شیوه، امکان استفاده از امکانات مالی برای استفاده‌کنندگان از قرض‌الحسنه که عمدتاً گروه‌های با درآمد کم هستند، فراهم می‌گردد. بنابراین، با رواج و گسترش قرض‌الحسنه نابرابری‌های درآمدی از بین می‌رود. با توجه به این موضوع، ادعا می‌شود که نظام اقتصادی اسلام، قرض‌الحسنه را به‌عنوان یکی از ابزارها و شیوه‌های مؤثر برای کاهش نابرابری در توزیع درآمد معرفی نموده است که با برقراری جریان پولی از طبقه‌های ثروتمند به طبقه‌های فقیر و ایجاد زمینه‌های تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری، در تثبیت درآمد بین فقرا و عدم تمرکز ثروت نقش مؤثری داشته باشد (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

در حال حاضر، اقتصاد ایران با مشکل جذب نیروی انسانی آماده به‌کار و پدیده بیکاری روبه‌رو است که علاوه بر اتلاف منابع انسانی، به خصوص نیروی انسانی تحصیل‌کرده، مسائل و دشواری‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. بر همین اساس، کاهش نرخ بیکاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف در مسیر دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی، اهمیت خاصی دارد. بدیهی است که مهم‌ترین عامل کاهش بیکاری، ایجاد تقاضا برای نیروی کار به واسطه سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید است. در این بین، بانکداری اسلامی با تکیه بر موازین و مقررات اسلامی می‌تواند نقش به‌سزایی در تأمین مالی پروژه‌های جدید اقتصادی و کارآفرینی داشته باشد. بانکداری اسلامی با اصرار بر مشارکت در سود و زیان شکل گرفته است و بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد تمرکز دارد. در بانکداری اسلامی نیاز مشتریان به طور مستقیم و در قالب تسهیلات اعطایی تأمین می‌شود. توزیع منابع در این نوع از بانکداری نیز به واسطه عقدهای اسلامی صورت می‌گیرد. تأمین مالی از طریق عقدهای اسلامی، با تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون سرمایه‌گذاری، به تغییر در سطح تولید و اشتغال می‌انجامد و رشد اقتصادی و بیکاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پایتختی اسکویی و عرب‌مازار، ۱۳۹۵).

با توجه به نقش تسهیلات قرض‌الحسنه در اشتغال‌زایی، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران است. همچنین و به موازات هدف اصلی، بررسی تأثیر تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار بر اشتغال اهداف فرعی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. براساس منابع موجود، تحقیق حاضر از نخستین گام‌های تجربی در خصوص بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال محسوب می‌شود. درصورتی‌که بتوان نشان داد تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران مثبت و معنی‌دار است، آنگاه

سیاست‌های حوزه اشتغال نیز با توجه به این موضوع تنظیم خواهد شد تا زمینه کاهش نرخ بیکاری را در استان‌های ایران فراهم آورد. در راستای دست‌یابی به هدف، بخش‌های بعدی به ترتیب به مبانی نظری، پیشینه تجربی، روش تحقیق، نتایج تحقیق و جمع‌بندی اختصاص دارد.

۱. مبانی نظری

کلمه قرض در آیات قرآن کریم و کتاب‌های فقهی و حقوقی به‌کار رفته است و معنای مشهور، معروف و شایع آن در کتاب‌های لغت، قطع کردن و بریدن است. وام را نیز قرض می‌گویند، چون شخص رابطه مالکیت جزئی از اموال را با خود قطع کرده، به دیگری می‌دهد، به این نیت که عین مال یا بدل آن را در آینده به او بدهد. غالباً پول موضوع قرض به شمار می‌رود. اما، باید توجه داشت که قرارداد قرض‌الحسنه مختص به پول نیست. توجه به تعمیم این قرارداد به اموال دیگر (افزون بر پول) قلمرو عمل این نهاد را افزایش می‌دهد و می‌تواند در موارد لزوم برای نیل به اهداف اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

قرض‌الحسنه می‌تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سمت طبقات با درآمد کم سوق دهد و در جهت تثبیت آن در بین فقرا و عدم تمرکز ثروت، نقش مؤثری داشته باشد. قرض‌الحسنه به افراد این امکان را می‌دهد که پس‌اندازهای کوچک خود را در جهت رفع نیازهای اساسی یکدیگر مورد استفاده قرار دهند. به همین سبب، با اتخاذ چنین روشی، طبقات با درآمد کم امکان استفاده بیشتر از امکانات موجود را پیدا می‌کنند و از فاصله بین غنی و فقیر کاسته می‌شود. با توجه به این موضوع، قرض‌الحسنه در رفع فقر نسبی مؤثر است. به‌عبارتی، با توجه به اینکه در قرض‌الحسنه، ثروتمندان به افراد با درآمد کم قرض می‌دهند، کاهش فاصله طبقاتی از دو جهت صورت می‌گیرد: ۱- با این اقدام، امکان تصرف اغنیا کم می‌شود و روند تشدید فاصله طبقاتی کاهش می‌یابد، ۲- با استفاده از وجوه قرض‌الحسنه برای ایجاد امکانات برای طبقات با درآمد کم، از فاصله طبقاتی موجود کاسته می‌شود. در مورد توجیه اقتصادی اثر قرض بر توزیع درآمد، دو نگرش متصور است.

نگرش خرد: در نگرش خرد، در صورتی که فرد در ابتدای دوره برای تأمین نیازهای ضروری خود اقدام به دریافت وام نکند، می‌بایست با پس‌انداز، در انتهای دوره نیازهای مصرفی خود را تأمین نماید. به‌عبارتی، اگر فرد قرض نگیرد، به اندازه یک دوره از مصرف وی کاسته می‌شود، اما اگر قرض بگیرد، قادر است از همان ابتدای دوره مصرف خود را افزایش دهد و در انتهای دوره، بازپرداخت وام را از طریق پس‌انداز انجام دهد. بنابراین و در نگرش خرد، قرض بر زمان مصرف فرد در طول زندگی وی می‌افزاید.

نگرش کلان: در نگرش کلان باید به نوع قرض توجه نمود. با توجه به اینکه پس اندازهای قرض‌الحسنه، از طریق افرادی تشکیل می‌شود که عموماً دارای سطح درآمد یکسانی هستند، انتظار بر آن است که اثر آن بر توزیع درآمد به شکل افقی باشد. در واقع، انتظار اینست که درآمدی که در هر دوره به طبقات با درآمد کم اختصاص می‌یابد، تبدیل به‌کارهای تولیدی کوچک یا کالای بادوام در همان طبقات شود. بنابراین، قرض‌الحسنه به‌عنوان عاملی که می‌تواند در یک برهه از زمان، ظرفیت کسب درآمد خانوارها را تغییر و تا حدودی برابری اقتصادی خانوارها را افزایش دهد، می‌تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد.

۱-۱. تأثیر مستقیم قرض‌الحسنه بر اشتغال

تحقیقات نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، به خوبی عمل نمی‌کند و گروه‌های با درآمد کم که در برابر رویدادهای ناگهانی آسیب‌پذیرتر هستند، کمترین دسترسی را به بازار اعتبارات دارند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد، اعتبارهای مالی نظیر تأمین سرمایه در گردش فعالان اقتصادی، به‌ویژه کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی، به افزایش سطح تولید و رشد درآمدها کمک می‌کند و می‌تواند به افزایش قدرت بازپرداخت دیون و تأمین مواد اولیه کمک کند(گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷).

صندوق‌های قرض‌الحسنه تولیدی در جهت ایجاد اشتغال و افزایش تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع، قرض‌الحسنه می‌تواند سبب استفاده از انگیزه‌های معنوی در جهت افزایش تولید و کاهش بیکاری شود (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸). این صندوق‌ها می‌توانند در جهت تأمین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت (فعالیت‌های تولیدی کوچک) و تأمین سرمایه در گردش فعالیت داشته باشند و بر ایجاد و تداوم اشتغال تأثیر بگذارند (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

۲-۱. تأثیر غیرمستقیم قرض‌الحسنه بر اشتغال

۱-۲-۱. تأثیر قرض‌الحسنه بر مصرف

مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی (نظیر خوراک، پوشاک، مسکن، سوخت) معمولاً به‌عنوان یکی از پیامدهای عمده توزیع مجدد درآمدها لحاظ می‌شود. این موضوع می‌تواند در خصوص قرض‌الحسنه نیز صادق باشد. اگر مبلغ پرداخت‌شده به قرض‌گیرنده در جهت تأمین کالاهای مصرفی هزینه شود، باعث افزایش تقاضا می‌گردد، زیرا این احتمال وجود دارد که قرض‌دهندگان در صورت عدم پرداخت قرض‌الحسنه، کمتر مصرف می‌کنند و بیشتر به پس‌انداز می‌پردازند. با توجه به اینکه بخش بیشتر

نیازهای مصرفی قرض‌گیرندگان را کالاهای ضروری تشکیل می‌دهد، انتظار بر آن است کـه افـزایش تقاضا بیشـتر در کالاهـای ضـروری دیـده شـود. بنـابراین، بایـد ایـن احتمـال را لحـاظ نمـود کـه قرض‌الحسنه در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت‌ها شود. البته میزان اولیه ایـن تقاضـای اضـافی بـه ترکیب تقاضا بستگی دارد که بر اثر ترکیب درآمدها صورت گرفته است. به‌عبارتی، برای هـر انـدازه توزیع درآمد معین، مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی با توجه به تفاضل میل نهایی به مصرف کسانی که از توزیع مجدد درآمد منفعت کسب می‌کنند و کسانی که از این موضوع زیـان می‌بیننـد، تغییـر خواهد کرد (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷).

نتایج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه عـلاوه بـر اینکـه باعـث تثبیـت تقاضـا می‌شـود، انگیـزه سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای ضـروری را نیزافـزایش می‌دهـد و حتـی بـه‌دلیل کـاهش تفاضـای کالاهای لوکس، بسیاری از منابع تولید کالاهای لوکس به سـمت تولیـد کالاهـای ضـروری هـدایت می‌گردد. آثار القایی افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری از یک طرف و کاهش تقاضا برای کالاهـای لوکس از طرف دیگر، نتایج زیر را به دنبال دارد:

۱- با توجه به اینکه کالاهای ضروری در مقایسه با کالاهای لوکس نسبت کاربری بیشتری دارند و درحالی‌که کالاهای لـوکس بیشـتر وارداتـی هسـتند، کالاهـای ضـروری عمـدتاً در داخـل تولیـد می‌شوند، انتظار می‌رود که با افزایش تولیـد کالاهـای ضـروری، اشـتغال نیـز به‌صـورت معنـی‌داری افزایش یابد.

۲- با ادامه روند تولید کالاهای ضروری، الگوی تولید متناسب با نیازها شکل خواهد گرفت.

۳- با صرفه‌جویی بخشی از درآمدهای ارزی کـه صـرف واردات کالاهـای لـوکس می‌شـد، تـراز پرداخت‌ها بهبود خواهد یافت.

در چنین شرایطی، تغییر الگوی تولید دارای آثار ثانویه خواهد بود که در جهت برابرسازی توزیع درآمد بین عوامل تولید و تقویت آثار اولیه انتقال درآمد به وسیله قرض‌الحسنه عمـل خواهـد نمـود (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰؛ هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

۲-۲-۱. تأثیر قرض‌الحسنه بر پس‌انداز

پس‌انداز، تأخیر مصرف از حال به آینده است. پس‌انداز می‌تواند به‌صورت قراردادی یا تعهدی (نظیـر اقساط بیمه عمر و سرمایه‌گذاری)، افـزایش دارایی‌هـای نقـدی (ماننـد سـپرده‌گذاری در بانک‌هـا)، سرمایه‌گذاری مستقیم در لوازم کسب‌وکار و تسویه تعهدات یا پرداخت دیون صـورت پـذیرد. بـرای بررسی جایگاه پس‌انداز در رفتار افراد باید به پیش‌بینی‌ها اشاره شود. به بررسی وضـعیت آینـده در

حال، پیش‌بینی گفته می‌شود. کینز تعادل اقتصادی را از نظر زمان بر مبنای پیش‌بینی استوار کرده است. پیش‌بینی در دو مرحله صورت می‌گیرد.

در مرحله اول، فرد در این مورد تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمد خود را برای مصرف حال از دست بدهد. پس از تعیین این مقدار، باقیمانده مصرف از درآمد پس‌انداز محسوب می‌شود، خواه در آینده بازدهی داشته یا نداشته باشد. سطح درآمد و میل به مصرف نیز در این مرحله نقش تعیین‌کننده دارد. در مرحله دوم، فرد تصمیم می‌گیرد چه مقدار از پس‌انداز را برای کسب بازدهی احتمالی به سرمایه‌گذاری اختصاص دهد و چه مقدار را نزد خود نگهداری کند. در این مرحله، سود نهایی سرمایه و همچنین، نرخ بهره نقش اساسی دارد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه پس‌انداز قسمتی از درآمد است که خرج نمی‌شود و از جریان درآمدی خارج می‌گردد، یکی از مشکلات مربوط به پس‌انداز، بازگردانی آن به چرخه درآمدی است. این موضوع از طریق پس‌انداز منفی کسانی که بیش از درآمد جاری خود خرج یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، قابل دست‌یابی است.

یک فرد مسلمان، پس از کسب درآمد، قسمتی از آن را به منظور رفع نیازهای مصرفی خود مصرف می‌کند. بنابراین و در مرحله اول، تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمد خود را به زمان حال اختصاص بدهد. با توجه به اینکه این قسمت از درآمد به آینده منتقل نمی‌شود، پس‌انداز به شمار نمی‌رود. البته در این مرحله، سطح درآمد و همچنین، میل نهایی به مصرف که ناشی از برخی عوامل برون‌زا نظیر سلیقه است، مؤثر هستند. در این مرحله، مقدار انفاقی که ناشی از انگیزه‌های معنوی وی باشد، مطرح است. در مرحله دوم، فرد مسلمان باید در خصوص تقسیم باقیمانده درآمد که به آینده منتقل می‌شود، تصمیم بگیرد. در واقع، با توجه به عدم مشروعیت دریافت بهره و عدم مطلوبیت عدم بکارگیری درآمد در اقتصاد، دو حالت متصور است:

۱- جهت کسب بازدهی معنوی، قرض بدهد.

۲- جهت کسب سود مشروع، سرمایه‌گذاری کند.

سهم قرض از درآمد به پیش‌بینی فرد از نرخ سود آینده و همچنین، سلیقه وی که ناشی از کیفیت انگیزه‌های معنوی است، بستگی دارد. باید توجه داشت که از دیدگاه فرد مسلمان، قرض بازدهی معنوی دارد و یک فعالیت تولیدی معنوی محسوب می‌شود. قرض‌گیرنده نیز در صورتی که مبلغ وام را جهت تولید استفاده کند، قرض به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود و درصورتی‌که قرض از نوع مصرفی باشد، در شرایط کنونی غالباً به منظور خرید کالای بادوام صرف می‌گردد و این به مفهوم افرایش مخارج مصرفی است. بنابراین، قرض از دیدگاه قرض‌گیرنده، پس‌انداز از طریق تسویه تعهدات یا پرداخت دیون است. نظر به اینکه موارد قرض معمولاً کالاهای مصرفی بادوام (در قرض

مصرفی) یا کالاهای سرمایه‌ای (در قرض تولیدی) است، پیش‌بینی می‌شود که قرض‌الحسنه موجب افزایش پس‌انداز ملی می‌گردد (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷).

۳-۲-۱. تأثیر قرض‌الحسنه بر هزینه‌های تولید

استفاده از قرض‌الحسنه برای تأمین مالی زمانی صورت می‌گیرد که فرد قرض‌کننده توانایی بازپرداخت سود را ندارد. بنابراین، آنچه در خصوص کاهش هزینه‌های تولید گفته می‌شود، تنها به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که توانایی بازپرداخت سود ندارد یا به افراد کم‌درآمد که قصد راه‌اندازی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط دارند، اختصاص دارد. استفاده از وجوه قرض‌الحسنه برای این دسته از تولیدکنندگان به دو صورت بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد: ۱- با توجه به افزایش قدرت رقابت از نظر سطح تولید و قیمت مفروض و افزایش انعطاف‌پذیری واحدهای تولیدی مذکور، امکان حضور، بقا و تداوم این تولیدکنندگان در اقتصاد افزایش می‌یابد. نظر به اینکه تولیدکنندگان مذکور را عمدتاً طبقات کم‌درآمد تشکیل می‌دهند، با تداوم جریان درآمدی این واحدهای تولیدی توزیع درآمد به تدریج بهبود می‌یابد. ۲- با تثبیت سود فعالیت‌های اقتصادی در بین طبقات با درآمد کم که پیش از آن به‌صورت نرخ بهره به صاحبان سرمایه‌ها و پس‌اندازها تعلق می‌گرفت، توزیع درآمد در میان افراد کم‌درآمد بهبود می‌یابد.

کاهش هزینه‌ها، تحریک سرمایه‌گذاری و افزایش تولید را به دنبال دارد. در واقع، آن دسته از افرادی که به‌دلیل عدم دسترسی به منابع مالی، امکان سرمایه‌گذاری و تولید برای آنها مهیا نبود، اکنون با استفاده از منابع قرض‌الحسنه قادر به سرمایه‌گذاری و تولید خواهند بود. در نتیجه، استفاده از قرض‌الحسنه منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت، منجر به افزایش تولید می‌شود. علاوه بر آن، افزایش سرمایه‌گذاری منجر به استفاده بیشتر از نهاده‌های تولیدی می‌گردد. به‌عبارت دیگر، با تأمین سرمایه، زمینه به‌کارگیری سایر نهاده‌ها، به‌ویژه نیروی انسانی، فراهم می‌شود (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

۲. پیشینه تجربی

قبل از مرور پیشینه تجربی، ذکر این نکته ضروری است که این تحقیق تسهیلات قرض‌الحسنه را به‌عنوان بخشی از اعتبارات خرد در نظر گرفته است و با توجه به این موضوع، بخشی از پیشینه تجربی به اعتبارات خرد اختصاص دارد. خلاصه مطالعات خارجی و داخلی در جداول شماره ۱ و ۲ درج شده است.

جدول ۱. خلاصه مطالعات خارجی

محقق/ محققان	سال	موضوع اصلی	سطح تحلیل	نتایج
پاتاک و جیاوالی[1]	۲۰۱۰	اعتبارات خرد و اشتغال	کشور نپال	اعتبارات خرد منجر به ایجاد اشتغال می‌شود.
دالی و فریکا[2]	۲۰۱۵	زکات و توسعه اقتصادی	-	زکات بیکاری را کاهش و تقاضا را افزایش می‌دهد. افزایش تقاضا نیز موجب تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود که افزایش فرصت‌های کارآفرینی را به دنبال دارد.
کی‌تی و همکاران[3]	۲۰۱۵	اعتبارات خرد و اشتغال	کشور غنا	اعتبارات خرد الزاماً منجر به‌کارآفرینی و ایجاد اشتغال نمی‌شود.
آمودا و رازاک[4]	۲۰۱۶	وقف و توانمندسازی	کشور مالزی	وقف می‌تواند منجر به ایجاد منابع و ابزارهایی همچون بودجه‌های آموزشی، گسترش فرصت‌های اشتغال و فراهم‌سازی ابزارهای مورد نیاز برای فعالیت‌های کارآفرینی شود.
اوکافور[5]	۲۰۱۶	اعتبارات خرد و اشتغال	کشور نیجریه	اعتبارات خرد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ایجاد اشتغال دارد.
آداما و همکاران[6]	۲۰۱۷	اعتبارات خرد و اشتغال	کشور نیجریه	ایجاد اشتغال مهم‌ترین تأثیر واسطه‌گری مالی بانک‌های تأمین‌کننده اعتبارات خرد است.

[1] Pathak & Gyawali
[2] Daly & Frikha
[3] KT & et al.
[4] Amuda & Razak
[5] Okafor
[6] Adama & et al.

محقق/ محققان	سال	موضوع اصلی	سطح تحلیل	نتایج
چادوری[1]	۲۰۱۷	اعتبارات خرد و اشتغال	کشورهای منتخب	در کشور مکزیک، اخذ اعتبارات موجب افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش کسب‌وکار می‌شود. در کشور مراکش، با دسترسی به اعتبارات فعالیت‌های خوداشتغالی افزایش می‌یابد، اما عرضه نیروی کار تغییر نمی‌کند. در کشور اتیوپی، اخذ اعتبارات تأثیری بر فعالیت‌های غیرکشاورزی ندارد. در هند، دسترسی به اعتبارات به‌صورت معنی‌داری موجب گسترش کسب‌وکارهای غیرکشاورزی می‌شود و عرضه نیروی کار را افزایش می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه مطالعات داخلی

محقق/ محققان	سال	موضوع اصلی	سطح تحلیل	نتایج
بختیاری و پاسبان	۱۳۸۳	اعتبارات بانکی و اشتغال	بخش کشاورزی	اعتبارات بانک کشاورزی بر اشتغال و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد.
زمانی	۱۳۸۸	اعتبارات خرد و اشتغال	استان‌های ایران	اعتبارات خرد نقش مثبتی در افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد.
طیبی و عباسلو	۱۳۸۸	اعتبارات بانکی و کسب‌وکار	اقتصاد ملی	اشتغال واکنش چندانی در مقابل عرضه اعتبارات بانکی نشان نمی‌دهد.
طیبی و همکاران	۱۳۸۹	تسهیلات بانکی و اشتغال	اقتصاد ملی	عملکرد نظام بانکی نسبت به اشتغال‌زایی در بخش‌های اقتصادی نوسان دارد.

[1] Chowdhury

محقق/ محققان	سال	موضوع اصلی	سطح تحلیل	نتایج
سعدی و موسوی	۱۳۹۲	عوامل مؤثر بر اشتغال	اقتصاد ملی	استفاده از تسهیلات در کوتاه‌مدت اشتغال را افزایش می‌دهد و مهم‌ترین عامل ایجاد اشتغال در بلندمدت، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است.
اقدامی کویچ	۱۳۹۳	تسهیلات بانکی و اشتغال	بخش مسکن	در رژیم رونق تسهیلات بانکی، موجودی سرمایه، ارزش افزوده و حداقل دستمزد حقیقی سرانه و در رژیم رکود حداقل دستمزد حقیقی سرانه، موجودی سرمایه، ارزش افزوده و تسهیلات بانکی دارای بیشترین تأثیر بر اشتغال هستند.
رجائی و همکاران	۱۳۹۴	تسهیلات بانکی و اشتغال و تولید	بخش کشاورزی	تسهیلات پرداختی منجر به توسعه کشاورزی و همچنین، سبب افزایش اشتغال و تولید بخش کشاورزی شده است.
سپهردوست و زمانی شبخانه	۱۳۹۴	تسهیلات اعتباری و اشتغال	تعاونی‌های صنعتی	اعطای تسهیلات اعتباری تأثیر معنی‌داری بر اشتغال داشته است.
پایتختی اسکویی و عرب‌مازار	۱۳۹۵	عقدهای بانکداری اسلامی و بیکاری	اقتصاد ملی	تسهیلات مبادله‌ای تأثیر منفی بر نرخ بیکاری دارد و تأثیر تسهیلات مشارکتی و تسهیلات قرض‌الحسنه بر نرخ بیکاری مثبت است.
هادوی‌نیا و عرب بافرانی	۱۳۹۵	آثار قرض‌الحسنه	-	قرض‌الحسنه در اشتغال‌زایی (به‌ویژه برای گروه‌های با درآمد کم) نقش دارد.

با مرور مطالعات خارجی و داخلی، مشاهده می‌گردد که بیشتر مطالعات در تحلیل اشتغال بر تسهیلات بانکی و اعتبارات خرد متمرکز هستند. همچنین، مطالعاتی که توجه آنها معطوف به تسهیلات قرض‌الحسنه بوده است، رویکرد نظری دارند. بنابراین و در مجموع، این تحقیق از اولین مطالعات تجربی با موضوع بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در حوزه کلان محسوب می‌شود.

۳. روش تحقیق

۳-۱. ارائه مدل

به‌منظور بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در سطح استان‌های ایران با توجه به اینکه عمده متغیرهای تأثیرگذار بر اشتغال: عبارتند از تولید ناخالص ملی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار و از آنجا که تأمین مالی کسب و کارهای خرد از طریق تسهیلات قرض‌الحسنه می‌باشد و همچنین به‌خاطر اینکه این متغیرها رابطه خطی با سطح اشتغال دارند، لذا از مدل رگرسیونی به‌صورت زیر استفاده می‌شود:

$$lnEMP_{it} = \beta_0 + \beta_1 lnQRZ_{it} + \beta_2 lnGDP_{it} + \beta_3 lnCAP_{it} + \beta_4 lnPRO_{it} + e_t$$

EMP اشتغال: داده‌های مربوط به تعداد شاغلان استان‌ها از نتایج طرح‌های آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران استخراج شده است.

QRZ تسهیلات قرض‌الحسنه: با توجه به عدم انتشار داده‌های مربوط به تسهیلات قرض‌الحسنه در سطح استان‌ها، به پیروی از ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶) از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به‌عنوان جایگزین تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده شده و داده‌ها از سال‌نامه‌های آماری مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده است. علت استفاده از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به‌عنوان تسهیلات قرض‌الحسنه، محدودیت دسترسی به داده‌های قرض‌الحسنه در سطح استانی بوده است. طبق تعریف بانک مرکزی سایر واسطه گری‌های مالی عمدتاً مربوط به صندوق‌های قرض‌الحسنه و تسهیلات مربوطه می‌باشد. به‌عبارتی، از ارزش افزوده سایر واسطه‌گری‌های مالی به‌عنوان یک تقریب برای جایگزینی این متغیر به‌خاطر محدودیت دسترسی به داده‌ها در سطح استانی استفاده شده است.

GDP تولید ناخالص داخلی: بر مبنای پیشینه تجربی، تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که بر اشتغال تأثیر می‌گذارد. برای مثال، این متغیر در مطالعات کمیجانی و قوی‌دل (۱۳۸۴)، باصری و روشنی یساقی (۱۳۹۳)، امینی و فرهادی‌کیا (۱۳۹۵)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۶) و عزیزمحمدلو (۱۳۹۷) مورد استفاده قرار گرفته است. داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی استان‌ها از حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران استخراج شده است.

CAP سرمایه فیزیکی: براساس پیشینه تجربی، موجودی سرمایه نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر اشتغال محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، این متغیر در مطالعات کهزادی و بلالی (۱۳۸۱)، باصری و روشنی یساقی (۱۳۹۳) و شهبازی و فتاحی (۱۳۹۶) به‌کار رفته است. با توجه به عدم انتشار

داده‌های سرمایه فیزیکی در سطح استانی، برای اندازه‌گیری این متغیر از سرمایه‌گذاری کارگاه‌های صنعتی استفاده گردیده و داده‌های مربوطه از نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی مرکز آمار ایران شده است. با توجه به اینکه داده‌های سرمایه فیزیکی در سطح استانی منتشر نمی‌شود و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت بخش قابل توجهی از مجموع سرمایه‌گذاری در استان‌ها را تشکیل می‌دهد، از سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به‌عنوان یک تقریب برای سرمایه فیزیکی استفاده شده است. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به‌عنوان سرمایه‌گذاری مولد شناخته می‌شود و به واسطه ارتباطات پسین و پیشین زیاد بخش صنعت با سایر بخش‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نسبت به سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها توانایی اشتغال‌زایی بیشتری دارد (مرکز آمار ایران، گزارش سال‌های مختلف).

PRO بهره‌وری نیروی کار: با توجه به پیشینه تجربی، بهره‌وری نیروی کار نیز اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه، این متغیر در مطالعات پژویان و امینی (۱۳۸۰)، مولایی و آشتیانی (۱۳۹۱) و امینی و فرهادی‌کیا (۱۳۹۵) لحاظ شده است. بهره‌وری نیروی کار در سطح استان‌ها نیز با نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد شاغلان محاسبه گردیده است.

ذکر این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که براساس پیشینه تجربی، متغیرهای دیگری نظیر دستمزد نیز بر اشتغال تأثیر می‌گذارند که به‌دلیل محدودیت دسترسی به داده‌های لازم در سطح استانی از آنها چشم‌پوشی شده است. با وجود اینکه دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۴ کوتاه است، اما با توجه به اینکه از روش داده‌های تابلویی استفاده شده و تعداد مقاطع ۳۱ استان بوده است، حجم داده‌ها ۱۶۵ سلول داده می‌شود که این تعداد مشاهدات برای تخمین مدل به روش داده‌های تابلویی کفایت می‌کند. در خصوص آزمون ریشه واحد، تنها در داده‌های تابلویی با تعداد سال‌های بیشتر از ۱۰ سال موضوعیت دارد و آزمون ریشه واحد برای داده‌های تابلویی با سری زمانی کمتر از ۱۰ سال انجام نمی‌شود. بنابراین، آزمون همجمعی هم لزومی ندارد، بالتاجی، (۲۰۰۸). آزمون‌های تشخیصی مدل نیزدر جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون های تشخیصی

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
لیمر	۲۰۸,۳۹	۰,۰۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود
هاسمن	۲۲۴,۲۹	۰,۰۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود
پسران	۷,۵۸۶	۰,۰۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود
وولدریج	۱,۳۳۳	۰,۲۵۷۴	فرض صفر رد نمی‌شود
نسبت درست‌نمایی	۱۶۹,۳۹	۰,۰۰۰۰	فرض صفر رد می‌شود

منبع: محاسبات پژوهش

۴. نتایج تحقیق

با توجه به جدول شماره ۳ نتایج آزمون لیمر نشان می‌دهد که استفاده از داده‌های تابلویی برای پژوهش حاضر مناسب است. نتایج آزمون هاسمن دلالت بر ارجحیت مدل اثرات ثابت برای تخمین مدل دارد. همچنین، نتایج آزمون پسران نشان می‌دهد که در مدل وابستگی مقطعی وجود دارد. نتایج آزمون وولدریج نیز گویای این است که در مدل هم‌بستگی سریالی وجود ندارد. همین‌طور، نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی بیان می‌کند که مدل دارای واریانس ناهمسانی است.

همان‌گونه که مشاهده گردید، مدل دارای وابستگی مقطعی و واریانس ناهمسانی است. در این حالت، استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی (FGLS)[1] پیشنهاد می‌شود. این روش با وجود وابستگی مقطعی و واریانس ناهمسانی برآوردهای کارا و مناسبی به‌دست می‌دهد. نتایج تخمین مدل به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی در جدول شماره ۴ ارائه شده است. با توجه به آماره X^2 و احتمال آن، مشخص می‌شود که مدل به خوبی برآورد گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که: تسهیلات قرض‌الحسنه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد. تولید ناخالص داخلی و سرمایه فیزیکی نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد. همچنین، بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌های ایران دارد.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل

متغیر	ضریب	آماره	احتمال
تسهیلات قرض‌الحسنه	۰,۳۰۸	۲,۶۵	۰,۰۰۸
تولید ناخالص داخلی	۱,۱۶۶	۲,۸۷	۰,۰۰۴
سرمایه فیزیکی	۰,۳۲۴	۳,۶۷	۰,۰۰۰
بهره‌وری نیروی کار	۰,۰۶۲	۴,۵۰	۰,۰۰۰
آماره X^2	۱۳۲۲,۷۰	احتمال	۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

[1] Feasiable Gneralized Least Square

جمع‌بندی

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در استان‌های ایران بـه انجـام رسیده اسـت. بـه‌عبارت دیگـر، در پـی پاسـخ‌گویی بـه ایـن پرسـش بـوده اسـت کـه: «تسـهیلات قرض‌الحسنه چه تأثیری بر اشتغال استان‌های ایران دارد؟». در راستای دست‌یابی به هدف، از مـدل داده‌های تابلویی شامل استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۴ با روش داده‌های تابلویی برای ۳۱ استان کشور استفاده شده است. نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر به این صورت خلاصه می‌شـود که تسهیلات قرض‌الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌ها دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بیشترین تـأثیر مربـوط بـه تولید ناخالص داخلی و سرمایه فیزیکی است و اشتغال بیشتر از آنکه تابع تسهیلات قرض‌الحسـنه و بهره‌وری نیروی کار باشد، تحت تأثیر شـرایط اقتصـاد کـلان قـرار دارد. از آنجـا کـه اثـر تسـهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال به‌عنوان متغیر ثاثیر گذار بر متغیـر هـدف کـه سـطح اشـتغال در اسـتان‌ها می‌باشد که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است و از آنجاکه ایـن تـأثیر مثبـت و معنـی‌دار بوده است، لذا، با توجه به نتایج، به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های افـزایش اعطـای تسهیلات قرض‌الحسنه را فراهم نمایند. اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه با شرایط ویژه بـه طرح‌هـایی که اشتغال ایجاد می‌کنند، به خوبی می‌تواند به کاهش بیکاری کمک نماید.

منابع

۱. ابونوری، اسماعیل و قاسمی تازه‌آبادی، افسانه (۱۳۸۶). ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)"، اقتصاد اسلامی، ۷(۲۸)،صص ۱۶۴-۱۳۹.

۲. اقدامی کویچ، پروانه (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر سطح اشتغال در بخش مسکن و ساختمان (رویکرد غیرخطی مارکف-سویچینگ)"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تبریز.

۳. بختیاری، صادق و پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳). "نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران"، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۴۶)، صص ۱۰۵-۷۳.

۴. پایتختی اسکویی، سیدعلی و عرب‌مازار، عباس (۱۳۹۵). "بررسی اثر عقدهای بانکداری اسلامی بر نرخ بیکاری در ایران"، اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۱)، صص ۷۷-۶۵.

۵. رجائی، یدالله؛ خیری، شقایق و سلیمی، محمدباقر (۱۳۹۴). "نقش تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بنگاه‌های زودبازده (SME) در ایجاد اشتغال و تولید بخش کشاورزی از دیدگاه مشتریان بانک"، کارآفرینی و کشاورزی، ۲(۳)، صص ۶۱-۵۱.

۶. زمانی، مظفر (۱۳۸۸). "مطالعه و بررسی نقش اعتبارات خرد در ایجاد فرصت‌های شغلی در کشور"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.

۷. سپهردوست، حمید و زمانی شبخانه، صابر (۱۳۹۴). "تأثیر انواع تسهیلات اعتباری بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور"، پژوهش‌های اقتصادی، ۱۵(۱)، صص ۲۱-۱.

۸. سعدی، محمدرضا و موسوی، میرحسین (۱۳۹۲). "بررسی عوامل و سیاست‌های مؤثر بر اشتغال نیروی کار"، پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)، ۱۳(۴۹)، صص ۱۹۸-۱۷۷.

۹. طیبی، سیدکمیل و عباسلو، یاسر (۱۳۸۸). "اعتبارات بانکی و سایر تعیین‌کننده‌های اقتصادی فضای کسب‌وکار در ایران"، پول و اقتصاد، ۱، صص ۷۸-۵۷.

۱۰. طیبی، سیدکمیل، ساطعی، مهسا و صمیمی، پریسا (۱۳۸۹). "تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران"، پول و اقتصاد، ۴، صص ۳۳-۱.

۱۱. کمیجانی، اکبر و هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۷). "درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن"، نامه مفید، ۴(۱۴).

۱۲. گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۷). توسعه‌ی انسانی (دیدگاه و راهبرد). ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: وداد.
۱۳. مرکز آمار ایران، گزارش سال‌های مختلف سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸.
۱۴. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۸). قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
۱۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۰). "اوراق قرض‌الحسنه"، اقتصاد اسلامی، ۱(۴)، صص ۱۰۴-۸۳.
۱۶. هادوی‌نیا، علی‌اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). "بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه"، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۶، صص ۳۶-۷.

17. Adama, J. U., Duru, I. U. & Diyoke, K. O. (2017). The Role of Microfinance Banks on Employment Generation in the Grassroots: Evidence from Karu Local Government Area of Nasarawa State, Nigeria. Asian Journal of Economics, Business and Accounting, 4(2), 1-9.
18. Amuda, Y. J. & Razak, D. A. (2016). Application of Cash Waqf in the Empowerment of Widows in Malaysia. Journal of Advanced Management Science, 4(3), 255-259.
19. Baltagi, Badi, (2008), Econometric Analysis of Panel Data, Jhon Wiley & Sons.
20. Chowdhury, S. (2017). Microfinance and Rural Non-Farm Employment in Developing Countries. IZA World of Labor, 350, 1-9.
21. Daly, S. & Frikha, M. (2015). Islamic Finance, a Support to Development and Economic Growth: The Principle of Zakat as an Example. Journal of Behavioural Economics, Finance, Entrepreneurship, Accounting and Transport, 3(1), 1-11.
22. KT, E., Frempong, G., Obirih-Opareh, N. & Rose, O. (2015). Does Microcredit Create Employment for the Poor? The Case of the Microcredit Scheme of Upper Manya Krobo Rural Bank in Ghana. Business and Economics Journal, 7(1).
23. Okafor, I. G. (2016). The Impact of Microfinance Banks Activities on Employment Generation in Nigeria. Imperial Journal of Interdisciplinary Research, 2(6), 685-692.

24. Pathak, H. P. & Gyawali, M. (2010). Role of Micro-finance in Employment Generation: A Case Study of Microfinance Program of Paschimanchal Grameen Bikash Bank. The Journal of Nepalese Business Studies, 7(1), 31-38.